

نقش پلیس و حکومت در حق بر محیط زیست سالم

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۶ / تابستان ۱۳۹۸ / ص ۵۹-۷۱

سارا رستمی^۱

^۱استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور استان البرز، واحد ماهدشت

نویسنده مسئول:

سارا رستمی

چکیده

یکی از جرایمی که در گفتمان پلیس و دولت ها اهمیت دارد، جرایم محیط زیست می باشد و پلیس یکی از پیشگامان این حوزه می باشد. جرایم محیط زیست انواع مختلفی دارد، از آلودگی صوتی گرفته تا آلودگی آب و برداشت غیر قانونی رودخانه ها و... شامل می شود. زیرا محیط زیست همراه با آسیب های محیط زیستی ناشی از فعالیت انسانی اتفاق می افتند و هدف قانون گذاری محیط زیستی باید بازداري یا کاهش آسیب محیط زیستی در برداشته باشد. این امر ممکن است از طریق مکانیسم های مختلفی از جمله قانون اتفاق افتد. زیرا قانون، مرزهای مجرمیت را تعریف و تبیین می کند. تلاش دارد به پرسش بنیادین پاسخ دهد؛ نقش پلیس و حکومت در داشتن محیط زیست سالم چگونه است؟ و عملکرد دولت، تضمین رفاه اجتماعی و ایده حکومت خوب در تضمین حق به محیط زیست سالم و مؤلفه های قانونی آنرا بیان نماید. این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی در تضمین محیط زیست سالم، جبران خسارات زیست محیطی را مورد مطالعه قرار می دهد. یافته های پژوهش نشان می دهد با کاربری نمودن مؤلفه های حکومت خوب در حق داشتن محیط زیست سالم و نقش پلیس را در ابعاد جرم شناسی حفظ محیط زیست مورد تحقیق و به نحو مؤثری مورد صیانت و حمایت قرار می دهد.

کلید واژگان: جرم سبز، حکومت خوب، مؤلفه، قانون.

مقدمه

شاخصه اصلی جامعه به سامان و انسان سعادت‌مند، تضمین حق های اولیه بشر در پرتو زیست جمعی و مانداری مطلوب با رویکردی عادلانه خواهد بود. رفتار و عملکرد عادلانه دولت و ملت است که سعادت و خوشبختی را برای بشر به ارمغان خواهد آورد. اصل اولیه اعلامیه استکهلم نیز بیان می دارد: (انسان از حقوق اولیه برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیط زیستی که به او اجازه زندگی با حیثیت و سعادت‌مندان را بدهد، برخوردار است او رسماً مسئولیت حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل های امروزی و آینده را بر عهده دارد).^۱ فیروزی، ۱۳۹۰: ۴۲). اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بیان می داد: (در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست با تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا می کند، ممنوع است). جرایم علیه محیط زیست به اقداماتی اطلاق می شود که تحت شرایطی خاص، به آلودگی یا از بین رفتن و یا آسیب به مظاهر محیط زیست منتج می شود. اهمیت پیشگیری از این جرایم از این جهت است که با سلامتی (انسان) ها به صورت مستقیم ارتباط دارد. اغلب کشورها رژیم خاصی را در این مورد به اجرا می گذرانند، هر انسان اندیشمندی با درک این تهدیدات پی خواهد برد که چاره فقط منحصر به یک چیز است: (پیشگیری از ادامه تخریب و حفاظت از محیط زیست). (کهریزی، ۱۳۹۴: ۵۴). (سزاریکاریا) حقوقدان معروف ایتالیایی، معتقد است پیشگیری از وقوع جرایم، بهتر از کیفر دادن است و برای پیشگیری از جرایم پیشنهاد می کند که نخست قوانین باید روشن و ساده باشند و تمام قدرت ملت برای دفاع از آن بسیج شود و هیچ قدرتی برای نابودی آن به کار گرفته نشود، دوم باید به مردم آموزش داده شود (حیدرزاده و مظفری زاده، ۱۳۹۲: ۱۶۳). زیرا موضوع محیط زیست به مثابه آنچه امروزه از آن یاد می شود امری است مهم که حفظ و نگهداری آن همواره در طول تاریخ مورد تأکید قرار گرفته است، اما گاهی یک سری عوامل باعث شده اند که سلامت محیط زیست با خطر مواجه شود که در این میان تأثیر انسان بر محیط زیست امری بدیهی به شمار می رود (کهریزی، ۱۳۹۰). محیط زیست به عنوان بستر زندگی بشر و ابزار به سعادت رسیدن وی، در گفتمان حقوقی و آموزش محیط زیست قابلیت معقولی جهت پژوهش و تحلیل دارد و به نوعی صیانت از آن موضوع حق انسان و تکلیف جامعه بشری واقع شده است. محیط زیست سالم و عاری از آلودگی حق اولیه بشری محسوب و اقدامات لازم جهت صیانت از آن تکلیف جمعی تلقی شده است. اما تضمین چنین حقی، مستلزم فراهم شدن بسترها و زمینه هایی است که مقاله با هدف صیانت از حق بر محیط زیست سالم، نقش حکومت و پلیس، کاهش خطرات زیست محیطی، جرائم زیست محیطی و مؤلفه های حکومت خوب می تواند موجبات تضمین حق به محیط سالم را فراهم نماید و نقش پلیس در حق بر محیط سالم چگونه می تواند باشد.

تعریف جرم محیط زیستی

تعریف جرم محیطی زیستی در معرض بحث های زیادی است و منبعی برای برخی مباحثه ها در میان جرم شناسان است. اصطلاح جرم محیط زیستی ممکن است برای توصیف مجموعه ی گسترده ای از رفتارها به کار رود که رنج آن از فعالیت های فردی زباله انداختن تا انتشار سطح بالای مواد سمی توسط شرکت های چند ملیتی است. در واقع همانند دیگر فرم های جرم، جرم محیط زیستی یک اصطلاح نسبی است و یک ساخت اجتماعی است که در معرض بحث های زیادی است. قوانینی که آن چه که جرم محیط زیستی است را تشکیل می دهند، می توانند در فضاها و زمان های مختلف، متفاوت باشند. در واقع، رنج گسترده ای از رفتارهای آسیب زای یقه سفیدها و شرکت ها که به محیط زیست ضربه می زنند، جرم دانسته شده اند، به عنوان مثال، بسیاری از کارخانه ها اجازه دارند تا مواد سمی منتشرکنند به شرطی که از محدوده هایی مشخص نگذارند. برخی کارخانه ها ممکن است رفتاری در یک حوزه قضایی انجام دهند که ممکن است در جایی دیگر غیر قانونی دانسته شود. علاوه بر این، همانند دیگر انواع جرائم شرکتی و جرائم یقه سفیدها، داشتن برچسب مجرم محیط زیستی دارای ننگ اجتماعی مشابه جرائم سنتی نیست (براین ولف، ۲۰۱۱، ۸۷).^۲

اصطلاح (جرم سبز) در ابتدا برای توصیف رفتار شرکت هایی که قوانینی را می شکنند که از محیط زیست حفاظت می کنند، پیشنهاد شد. دیگران اهمیت مجرمان (یقه سبزی) را متذکر شد که اعمال شان همانند اعمال مجرمان یقه سفید (به لحاظ انگیزه و ویژگی) به محیط زیست آسیب می رساند. جرم شناسان (جرم محیط زیستی) را مشاهده کرده اند که از قواعد عدالت محیط زیستی استفاده می کند و به طور

1- Firooti M, Basic of Right to Healthy Environment in Quran, Journal of Revaghe Andishe 1390,42.

2- Brian, Wolf.

همزمان، جرائم محیط زیستی را به عنوان حوزه ای متمایز از تحقیق در علم جرم شناسی با آن سازگار می سازند. جرم شناسی محیط زیستی را به عنوان حوزه ای متمایز از تحقیق در علم جرم شناسی با آن سازگار می سازند (براین ولف، همان)^۱. جرم شناسی محیط زیستی هنوز به طور کامل جا نیافتاده است ولی چارچوب تئوریک و راه های متدولوژیکی از پژوهش پدیدار شده است. گیس وهمکاران (۲۰۱۰) حوزه جرم شناسی حفظ محیط زیست را معرفی کرد که نشان می داد که یک دیدگاه چند رشته ای می تواند بنیان هایی مفهومی درون جرم شناسی ایجاد کند که زمینه وسیع و تأثیرات جرائم محیط زیستی را در نظر می گیرد. درک ما از جرائم محیط زیستی و مشکلات مربوط به این قانون شکنی می تواند تا حدود زیادی از طریق به کارگیری مشارکت علوم طبیعی بهبود یابد و به طور همزمان می توانیم از دیدگاه های منحصر به فرد جامعه شناسی در درک الگوهای قانون شکنی و تخطی از هنجارها استفاده کنیم.

پلیس و محیط زیست

موضوع محیط زیست مسأله ای است که پلیس برحسب وظیفه و قانون به حمایت از آن می پردازد. به عنوان مثال تولید و دفع زباله یک مسأله مهم برای پژوهشگران آکادمیک علاقمند به پرسش های مربوط به صدمات زیست محیطی است. زیرا امروزه بحث های مربوط به دفع زباله توسط سازمان غیر دولتی و ادارات سازمان ملل مربوط به مسائل بی عدالتی زیست محیطی نیز پیگیری می شوند. این مطالعات در حال تأکید بر مسائلی از قبیل رشد عظیم در زباله های الکترونیکی مربوط به انقلاب میکروچیپ و اینکه چطور رایانه ای کهنه، تلویزیون ها و دیگر محصولات الکترونیکی در مناطقی مثل آفریقا و آسیای جنوب شرقی ذفن می شوند، هستند. صدمات محیط زیستی و اجتماعی هم توسط انتقال های قانونی و هم انتقال های غیر قانونی زباله های خطرناک ایجاد می شوند و این بخش فقیر و آسیب پذیر جمعیت جهان است که هزینه این امر را می پردازد. با نفوذ مواد سمی به نواحی خاص، زیست بوم هایی خاص را از بین می رود و سلامت انسان ها و نیز حیوانات به خطر می افتد (وایت روب، ۲۰۱۱: ۵۴)^۲.

اساساً تولید و تخریب رابطه ای متقابل دارند. زباله هم یک محصول فرعی تولید و هم باقی مانده مصرف است. مواد خامی که به تولید کالا و تدارک خدمات اختصاص می یابند، اساساً توسط تولید کنندگان و نه مصرف کنندگان نهایی مشخص می شوند. این امر شامل بهره برداری از محیط های زیست، انسان ها و حیوانات است. به طور مشابهی، زباله های محصولات فرعی تولید و باقی مانده های مصرف مطابق با اصول سودآوری، در نهایت در خود فرآیند تولید مشخص می شوند، به عنوان مثال، بسته بندی های پلاستیکی، مصرف کنندگان را وسوسه می کنند تا خرید کنند و سپس به بخشی از زباله ای تبدیل می شوند که باید بعداً دفع شود.

توافقات بین المللی زیادی مربوط به حمل، ذخیره و دفع زباله و آلاینده ها وجود دارد. جرم شناسی زیستی جهانی که در مطالعه ی زباله و آلاینده ها به کار رفته است، بر تحلیل جهانی این مشکل و متمرکز بر مفهوم (صدمه) به عنوان مفهومی مرکزی و نه (جرم) اصرار دارد. ضروری است که فراتر از رابطه قانونی / غیر قانونی برویم تا مطالعه کنیم که این آسیب در عمل چه می کند ولی این رابطه هنوز برای آنالیز مهم است. برای درک مفهوم زباله ما باید بدانیم که از کجا می آید و به چه می رود. در این زمینه، تحلیلی از چرخه تولید ارزشمند خواهد بود (جانسون، ۲۰۱۶: ۲۳)^۳.

پیامد روشن یک سیستم در حال رشد که بر اساس تولید و مصرف هر چه بیشتر است، برای فشارهای در حال افزایش بر منابع تجدید ناپذیر جهان است. رقابت و زباله های مربوط به تولید سرمایه داری جهانی تأثیرات زیادی بر محیط به طور گسترده تر، بر روی انسان ها و بر روی حیوانات دارند (به فرم آلودگی و سطوح سمی بودن هوا، آب و زمین). فرآیندهایی مشابه، تهدیداتی عمده پیش روی تکرر زیستی می نهند. در قلب این فرآیند ها یک فرهنگ سیاسی است که این پیشنهاد را مشکل زا نمی داند که توسعه پیوسته مصرف مادی امکان پذیر است و به شکلی اساسی به سپهر زیستی صدمه نمی زند. سودمندی اغلب به معنای کالایی سازی است. این امر همچنین معنای مقادیر زیاد زباله و آلودگی است (جانسون، همان)^۴.

^۱ - Ibid.

^۲ - White Rob.

^۳ - Johnson.

^۴ - Ibid.

عدم انسجام سازمانی محیط زیستی

لینچ و استرسکی^۱ استدلال می کنند که جرائم سبز همراه با آسیب های محیط زیستی ناشی از فعالیت انسانی اتفاق می افتند. بنابراین مشکلات محیط زیستی با مودهای تولیدی تداوم می یابند که یک عنصر ضروری معاصر از (اقتصادهای سیاسی جهانی و محلی) را ایجاد می کنند. از نظر^۲ این فرضیاتی که بدیهی پنداشته شده اند مبنی بر این که توسعه اقتصادی و رونق مالی اخیر یک کالای جهانی و اجتماعی ضروری و لازم تصور می شوند، باید به چالش کشیده شوند.^۳ با الهام از مارکسیسم محیط زیستی الن اشتنبرگ و تئوری تردمیل تولید او، نشان داد که جوامع بازار محور پیشرفته نئولیبرال چه مسئولیتی در قبال آسیب محیط زیستی اخیر دارند. مسأله محوری در تئوری تردمیل تولید اسن است که سرمایه داری با تکنولوژی در حال گسترش خود ذاتاً برای محیط زیست آسیب زا است (لینچ و استرسکی، ۲۰۱۴: ۷۲). از نظر اشتنبرگ (۱۹۸۰)^۴ و گولد^۵ و همکاران (۲۰۱۴) استخراج منابع طبیعی، جنگل زدایی از سرزمین های پردرخت و زیستگاه ها و بهره برداری از گونه های گیاهی و جانوری از ضروریات فرآیند تردمیل تولید سرمایه داری است که منجر می شود به از هم پاشیدگی محیط زیستی. این تردمیل با یک نیاز مداوم برای خدمت به جامعه مصرفی هدایت می شود با عرصه و تقاضای بازار در حال گسترش و سیاست های اقتصادی بر محور تجارت که روابط بین المللی معاصر را تقویت می کند و زمینه و اساس تاراج محیط زیستی را فراهم می سازد. مالی سازی و کالایی سازی اخیر محصولات، منابع و امور عمومی در جهان، با گسترش تجارت و مصرف به تردمیل سوخت می رساند. بدین ترتیب، مناطق غالب مبتنی بر ایدئولوژی های بر اساس سرمایه داری با توجه به نظریه استرسکی و همکاران هم در قبال آسیب های محیط زیستی مسئول است و هم قادر به جبران خسارات نیست. در انتقاد آن از هم پاشیدگی محیط زیستی، عدم توانایی جبران آسیب محیط زیست طبیعی را برای قدرت و سود مورد بهره برداری قرار می دهد و در نتیجه آشفتنگی و اغتشاش، توازن محیط زیست بوم را از بین می برد که توسعه و پایداری محیط زیست را حفظ می کند (جانسون هوپ، ۲۰۱۶: ۴).^۶

محدودیت های جرم شناسی سبز

درحالی که مسأله مجازات و انتشار مواد سمی در جرم شناسی به طور عمومی تر مورد بی توجهی قرار گرفته است، اما توسعه جرم شناسی سبز توجه بیشتری را به مسائل مربوط به اجرای قانون محیط زیستی جلب خواهد کرد. این امر می تواند شامل مواردی باشد از جمله اینکه آیا تلاش های مربوط به اجرای قانون محیط زیستی آسیب محیط زیستی را محدود خواهد کرد یا نه، و آیا الگوهای اجرای قانون محیط زیستی عادلانه هستند یا در جوامع مختلف در رابطه با طبقه، ترکیب نژادی و قومی به طور نامتوازی توزیع شده اند. درحالی که جرم شناسان سبز توجه را به تأثیرات اجرای قانون محیط زیستی و کارآمدی این واکنش ها جلب کرده اند، آن ها تا حدود زیادی از متون عدالت محیط زیستی و مطالعات جرم شناسی راست کیش تر در مورد تأثیرات مجازات ها بر سازگاری محیط زیستی به عنوان راهی برای در متن قراردادن این مطالعات الهام گرفته اند. ما در این بخش به آن نمی پردازیم و انواعی از تئوری را بسط می دهیم که در جرم شناسی سبز به کار می رود تا الگوهای اجرای قانون محیط زیستی پرداخته و با تئوری تردمیل مصرف که توسط اشتنبرگ بسط داده شده است، به نتیجه برسیم (لانگ میشل، ۲۰۱۵: ۱۳۰).^۷

تئوری تردمیل مصرف، آسیب محیط زیستی را از یک دیدگاه اقتصاد سیاسی آنالیز می کند. این تردمیل، زیست بوم را از طریق صرف نظر ها یا استخراج از مواد خام استفاده شده در تولید و از طریق اضافی های زیست بوم، مختل می شود که از طریق آلودگی که به محیط زیست اضافه شده است، در فرآیند تولید ساخته شده است. در این مطالعه ما بر توجه بر اضافی های زیست بوم مربوط به تولید تمرکز داریم. ما ادعا داریم که با افزایش انتشار مواد سمی بیشتر امکان دارد که آن ها پتانسیلی برای آسیب به گونه ای انسانی و غیر انسانی ایجاد کنند. ما همچنین استدلال می کنیم که با انتشار بیشتر مواد سمی در محیط زیست، بیشتر احتمال دارد که زیست بوم هایی که به آن محیط زیست

^۱ - Lynch and Stretesky.

[[

^۲ -Ibid, p142.

^۳ - Ibid.

^۴ - Allen Schnaiberg.

^۵ - Schnaiberg.

^۶ - Johnson , Hope.

^۷ - Long Micheal A. , Stretesky Paul B, Michael J. Lynch, The Treadmill of production, Planetary Boundaries and Green Criminology (2015) Environmental Crime and its Victims: Perspectives within Green Criminology, p130.

وابسته هستند، مختل شوند. انتشار مواد سمی ممکن است با تغییر ماهیت زیست بوم ها به صورتی که تأثیر منفی، بر تکثر زیستی و سلامت گونه ها دارد و با تهدید توازن زیست بوم و توانایی بازتولید شرایط زندگی، زیست بوم ها را تغییر دهد. مثالی از تأثیرات با دامنه بزرگ اضافات زیست بومی مربوط به آلودگی کربن دی اکسید می تواند در فرم از بین بردن سازمان زیست بوم دیده شود که به طور عمومی به آن تغییر اقلیم می گویند (لانگ میشل، همان).^۱

به دلیل مقیاس عظیم از هم گسیختگی زیست بوم که در حال حاضر در حال اتفاق افتادن است، ما استدلال می کنیم که جرم شناسان باید بر مشکل وسیع محدودیت های سیاره ای تمرکز کنند به جای سازگاری با برخی مقررات خاص. محدودیت های سیاره ای را می توان به عنوان نه آستانه محیط زیستی توصیف کرد که اگر از آن عبور شود می تواند عواقب فاجعه آمیزی برای سیاره زمین داشته باشد. تمرکز بر از هم گسیختگی زیست بوم و تهدیدهای بیوسفر در کل، با ارجاع به محدودیت های سیاره ای برای جرم شناسان بسیار مهم تر است از به عنوان مثال اینکه آیا یک شرکت با مقررات محیط زیستی حکومت ایالات متحده سازگاری دارد یا خیر. ما تأکید داریم که کاملاً ممکن است که با مصوبه آب پاک^۲ سازگاری داشته باشیم حتی اگر بیوسفر را نابود کنیم. این وضعیت مختل کننده به این دلیل اتفاق می افتد که آسیب به زیست بوم ها با تخطی از قانون محیط زیستی هم معنی نیست (کورسل لارس، ۲۰۱۴: ۵).^۳

در دیدگاه ما، ما به سوی اقتصاد سیاسی تئوری تردمیل تولید کشیده شدیم زیرا ما این جهت گیری را منطبق بر فرم های تحلیل اقتصاد سیاسی برخی جرم شناسان سبز در مطالعه آسیب محیط زیستی و کنترل اجتماعی محیط زیستی می بینیم. در همین زمان، توجه ما به تئوری تردمیل تولید مربوط است به مشاهده ما که توضیحات اقتصادی سیاسی آسیب محیط زیستی در جرم سبز به اندازه کافی توسعه نیافته است، به ویژه در رابطه با استفاده از این رویکرد در رشته های دیگر. در نظر ما، تئوری تردمیل تولید روشی برای گسترش استفاده از تئوری اقتصاد سیاسی در جرم شناسی سبز فراهم می سازد (روسن بوم، ۱۹۸۰: ۷۸).^۴

در بخش های بعدی ما تئوری تردمیل تولید و رابطه آن با جرم شناسی سبز را مرور می کنیم. ما سپس پنج محدودیت سیاره ای را با تأکید خاص بر دو مورد آن ها یعنی تغییرات اقلیمی و آلودگی شیمیایی مرور می کنیم.

روک اشتروم و همکاران^۵ (۲۰۰۹) نه محدودیت سیاره ای را تشخیص دادند که فضای امن عملکردی برای انسان در رابطه با نظام زمین راتبیین می کنند و در رابطه با زیر نظام های بیوفیزیکی و فرآیندهای آن هستند. تشخیص این محدودیت ها در واکنش به ورود به دوره ای بود که در آن انسان به نیروی اصلی هدایت کننده تغییر محیط زیستی بدل شده است. این محدودیت ها عبارت اند از: ۱- تغییر اقلیمی ۲- چرخه نیتروژن / فسفر ۳- از دست رفتن تنوع زیستی ۴- اسیدی شدن اقیانوسها ۵- از بین رفتن لایه اوزون ۶- مصرف جهانی آب شیرین ۷- تغییرات در استفاده از زمین ۸- بار ابروزول اتمسفری ۹- آلودگی شیمیایی. برای حفظ شرایط آب و هوای دوره هولوسین یعنی حدود ۱۰-۱۲۰۰۰ سال اخیر، روک اشتروم و همکاران استدلال کردند که لازم است این نه محدودیت زیر سطوح خاصی قرار بگیرند. یا این خطر وجود دارد که تحولات عظیم محیط زیست محیطی اتفاق افتد که می تواند تأثیرات سهمگینی بر انسان ها و دیگر موجودات در سراسر سیاره زمین داشته باشند (دنیل، ۲۰۱۰: ۳۴).^۶

بنابراین پژوهش نشان می دهند که مردم انتخاب می کنند که به طور راهبردی از برخی اطلاعات صرف نظر کنند. به عنوان مثال آنان انتخاب می کنند که از تأثیرات اعمال خود را بر روی دیگران برای پیگیری منافع شخصی شان صرف نظر کنند. علاوه بر این مردم ممکن است که از اطلاعات در مورد آسیبی که آن ها به خود آینده شان می زنند نیز برای رسیدن به منافع کوتاه مدت شان صرف نظر کنند. جهالت راهبردی، چه از تأثیر بر دیگران و چه برآینده خود شخص در نتیجه یک منازعه بین فردی میان چیزی که فرد احساس می کند (باید انجام دهد) و چیزی که (می خواهند) که انجام دهد را انجام دهند. در مورد جهالت راهبردی در مورد آسیبی که شخص می تواند به دیگران بزند، هنجارهای اجتماعی تبیین می کنند که شخص چه باید انجام دهد. ما باور داریم که منازعه درونی بین چیزی که فرد باید انجام دهد و چیزی که می خواهد انجام دهد می تواند در رفتاری که تأثیرات منفی بر روی محیط زیست دارند نیز حاضر باشد که در آن چیزی که شخص باید انجام دهد تا حدودی بستگی دارد به هنجارهای اجتماعی. اما ما نیز باور داریم که هنجارهای مربوط به رفتار حامی محیط زیست ممکن است

¹ -Ibid,p4.

² - Clean water Act (CWA).

³ - korsell lars

⁴ - Risenboun.

⁵ - Rockstorm.

⁶ - Holocene.

⁷ - Daniel.

برای مردم ناشناخته باشد یعنی آنها مطمئن نباشند که دیگران چه کاری انجام می دهند تا آسیب محیط زیستی خود را کاهش دهند (دلیل، ۲۰۱۰: ۲۴).

پیشگیری از جرائم محیط زیستی از طریق اجرای قانون

جرائم محیط زیستی را می توان به عنوان جرائم مربوط به قصور ملاحظه کرد یعنی جرائمی که زمانی اتفاق می افتند که افراد قوانین را مراعات نکنند. بدین ترتیب، اجرای قوانین محیط زیستی برای رسیدن به هدف خود باید نه زیاد سخت و نه زیاد آسان باشند. چالش ها برای اجرای قوانین محیط زیستی در مباحثه بین آلودگی قانونی و غیر قانونی نشان داده شده است. بدین ترتیب، اخلاقیات و ارزش های متخلفان بالقوه نقش مهمی در فعالیت هایی دارند که به لحاظ محیط زیستی آسیب زننده هستند، چه قابل قبول باشند و چه نه. بیشتر آسیب محیط زیستی ایجاد شده توسط شرکت ها با رضایت جامعه و به نام رشد و توسعه اقتصادی انجام می پذیرد. با مطالعه بیشتر می توان گفت که جرائم شرکتهای محیط زیستی بخشی از اقتصاد سیاسی هستند که در آن ارزش های مالی مهم تر از ارزش های محیط زیستی دانسته می شوند (شرامکی و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۱).^۱

علاوه بر تمایز مشخص بین آلودگی قانونی و غیر قانونی، ادارات مجری قانون با چالش های دیگری نیز مواجه هستند. یافتن قربانیان جرائم محیط زیستی ممکن است دشوار باشد و اثبات رابطه بین تخلف محیط زیستی و قربانی سازی نیز می تواند چالش برانگیز باشد. به عنوان مثال، مشخص کردن تأثیرات روشن و عواقب آلودگی ممکن است دشوار باشد. بدین ترتیب، جرائم محیط زیستی اغلب جرائمی بدون قربانی نامیده می شود. کم و بیش، رابطه بین جرائم شرکتهای و محیط زیستی و به عنوان مثال سلامتی انسان شناسایی شده است. تخمین زده شده است که تنها بخش کوچکی از این جرائم باصطلاح بدون قربانی از قبیل جرائم محیط زیستی به پلیس گزارش داده می شوند (شرامکی و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۲).

هدف از این بحث، مقایسه ای زنجیره ای اجرای قانون محیط زیستی است. مثلاً در دو کشور فنلاند و سوئد جوامعی نسبتاً مشابه در اسکاندیناوی هستند با منابع طبیعی و ساختارهای اقتصادی شبیه به هم. در هر دوی این کشورها، اخیراً توجه فزاینده ای به افشای بیشتر جرائم نهانی محیط زیستی وجود داشته است. جرائم محیط زیستی و خیم مورد توجه بیشتر و دارای پیچیدگی خاص هستند و دارای آسیب های خاص به طبیعت و سلامت بشر و کل اقتصاد دانسته می شوند. در فنلاند و سوئد، ادارات حفاظت از محیط زیست، پلیس و مقامات قضایی همگی در حال مبارزه با مسائلی مشابه برای پیشگیری از جرائم محیط زیستی هستند. زنجیره اجرای قانون که قانونگذاری جنایی محیط زیستی آن را فراهم می سازد، همراه با همکاری بین مقامات مختلف مورد تأکید بوده است. بدین ترتیب، آن ها موضوع مناسبی برای مقایسه فراهم می سازند (تامسترون، ۲۰۱۴: ۵۶).^۲

با تعریف جرائم محیط زیستی به عنوان یک فعالیت بدون مجوز قصور که از قانون تخطی می کند و در معرض بازدارندگی جنایی است، جرائم محیط زیستی را می توان جرائم مربوط به مقررات دانست. برای اینکه پیشگیری از جرائم مقرراتی مؤثر واقع شود، زنجیره اجرای قانون باید به طور مؤثری کار کند. امکان بازداشت، تعقیب قضایی و محکومیت دارای تأثیری بر کیفیت زنجیره ای اجرای قانون است. تحت این چارچوب تئوریک، می توان فرض کرد که بهبود زنجیره اجرای قانون به پیشگیری بهتر جرائم منجر خواهد شد. بنابراین، از آن دیدگاه تئوریک، مهم است که پیشگیری از جرائم محیط زیستی را از طریق زنجیره اجرای قانون تحلیل کنیم و نه آزمون تجربی یک استراتژی پیشگیری خاص از قبیل پیشگیری محیطی از جرائم، با داشتن این نکته در ذهن بهبود قانونگذاری جرائم محیط زیستی یک بخش ضروری از جرائم محیط زیستی است. به شرط اینکه با دیگر استراتژی های پیشگیری از قبیل فرمان و کنترل، خود تنظیمی، خود پلیسی، مقررات هوشمند و خود پلیسی تقویت شود (شرامکی و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۲).^۳

مطالعات در مورد پیشگیری از جرائم نشان داده اند که شدت مجازات همراه با ریسک بازداشت باید باعث بازدارندگی مجرمان شود. با توجه به راهبردهای فرمان و کنترل، همراهی از طریق تهدید مجازات رسمی به دست می آید. از دیدگاه اقتصادی فایده گرایی، آلوده کننده منطقی به آلوده کردن تا جایی ادامه خواهد داد که حاشیه هزینه این کار برابر با حاشیه سود شود. مجازات های اعمال شده بر متخلفان باید چشمگیر

^۱ - Sahramaki.

^۲ - Thunstrom.

^۳ - Sahramaki.

باشد و از مزایای بالقوه بیشتر باشد. زمانی که احتمال بازداشت افزایش یابد، تعداد تخطی‌ها باید کاهش یابد. بنابراین، بازداشت یک نقش چشمگیر در اجرای جرم دارد (شرامکی و همکاران، همان).

اما نرخ‌های بازداشت برای جرائم محیط زیستی اغلب نسبتاً کم هستند و بهانه‌های برای توجیه این وضعیت به آسانی یافت می‌شوند. به طور کلی می‌توان گفت که شرکت‌ها انگیزه‌هایی از قبیل عملکرد بهتر از شرکت‌های رقیب با افزایش سود از طریق کاهش هزینه‌ها را دارند. این هزینه‌ها می‌تواند شامل سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های سازگار با محیط زیست یا بازیافت زباله به شیوه‌ای مناسب باشند. به نظر می‌رسد که عملکرد محیط زیستی با فشارهای مالی و رقابت محدود باشند، تکنولوژی‌های جدید سازگار با محیط زیست ممکن است به کار گرفته نشوند اگر به لحاظ مالی مزیت نداشته باشند. مشخص شده است که حفاظت از محیط زیست و سرمایه‌گذاری در تکنولوژی سازگار با محیط زیست اغلب یک اولویت بالا در شرکت‌ها نیستند. در همین زمان، احتمال قرار گرفتن در معرض تعقیب قضایی و متهم شدن به جرائم محیط زیستی با تحمیل یک مجازات شدید اغلب خیلی پایین دانسته می‌شود. علاوه بر این، صرفه جویی‌ها در هزینه سازگار و سوسه انگیز است و احساس می‌شود که انجام تخلفات محیط زیستی نسبتاً آسان است. در نتیجه، شرکت‌ها ممکن است در واقع انگیزه‌ای برای سازگاری با مقررات محیط زیستی نداشته باشند (بارکر، ۲۰۱۷: ۶۲).^۱

به همین دلایل، ادعا شده است که راهبردهای فرمان و کنترل که با خود تنظیمی همراه هستند، در پیشگیری از جرائم محیط زیستی شرکتی مؤثرتر هستند. خود تنظیمی به راهبرد پیشگیری اشاره دارد که در آن هنجارها و ارزش‌ها همراه با سیستم‌های سازگاری داخلی شرکت‌ها به سازگاری می‌انجامد. به عنوان مثال فشارهای اجتماعی و ویژگی‌های مدیریت محیط زیستی شرکتی به نظر می‌رسد که تأثیری بر سازگاری دارند. همچنین ادعا شده است که تنظیم‌کنندگان مقررات باید با شرکت‌ها ارتباط نزدیکی داشته باشند تا راه‌هایی را بیابند که به رهبران صنعتی پاداش دهند تا عملکرد محیط زیستی خود را بهبود دهند و در همراهی با مقررات تشویق شوند (روسن بوم، ۱۹۸۰: ۷۶).^۲

حق بر محیط زیست سالم

حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از حق‌های بنیادین بشر تضمین بخش حق بنیادی به نام حق حیات و حق سلامت جسم و روح می‌باشد (بویل، ۲۰۱۵: ۷۸).^۳ به تبع، صیانت و پاسداری از این حق منجر به حفظ تعادل جسمی و روحی بشر می‌گردد. صیانت از بهداشت و سلامت انسان نیازمند اشتراک مساعی جهانی است. از این رو پاسداری و جلوگیری از آلودگی‌های دریایی، زمینی و هوایی و فضایی وظیفه‌ای است که به عهده همه ملت‌ها و دولت‌ها گذارده می‌شود (دنیل، ۲۰۱۰: ۳۲).^۴

از منظر حقوق بین الملل محیط زیست و با توجه به اعلامیه‌های ارزشی استکهلم، ریو، ژوهانسبورگ و سایر عهدنامه‌های زیست محیطی (میشل، ۲۰۱۱: ۳۶)،^۵ مفهوم حق از جمله حق بر محیط زیست به مانند سایر مفاهیم اخلاقی از قبیل عدالت، خیر محصول تجربه حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انسان‌ها در جامعه انسانی است (رحمت الهی، ۱۳۹۳: ۱۰۳)، مواد ۱۴ و ۱۵ پیش طرح سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی در بیان حق بر محیط زیست سالم بیان می‌دارد: (هر انسان و کلیه انسان‌ها به صورت گروهی حق دارند از محیط سالم و متعادل از نظر زیست محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند. دولت‌های عضو متعهد می‌گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی ننمایند که به سلامت انسان و به زیست جمعی صدمه وارد کنند، صدمه‌ای که برای توسعه جمع ضروری باشد و راهی برای اجتناب از آن وجود نداشته باشد، قابل قبول محسوب می‌گردد)، (رحمت الهی، همان).

حق بر محیط زیست سالم نقش مهمی در تضمین سلامتی انسان و زندگی عاری از آلودگی خواهد داشت. چنین رویکردی (رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر) را به ذهن متبادر می‌نماید، (زیرا حمایت قانونی از حقوق بشر می‌تواند وسیله‌ای جهت رسیدن به حفاظت از محیط زیست باشد. حقوقی مثل حق حیات، آزادی بیان، مشارکت سیاسی، برابری و ... شامل ابزارهای قانونی بین المللی هستند که حفاظت بیشتر از محیط زیست را می‌طلبند. به همین جهت، برخی از حقوقدانان پیشنهاد کرده‌اند که برای برخورد با مسائلی که از طریق نابودی تدریجی محیط زیست گریبان گیر بشر می‌شود، حق جدیدی در چارچوب حقوق بشر، مبنی بر (حق بر محیط زیست) یا (حق بهره‌مندی از محیط

¹ - Baker.

² - Rosenbounm.

³ - Boyle.

[

⁴ - Danlie.

⁵ - Mishel.

زیست شایسته) سالم و امن (شناسایی شود، (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۵۹). حق بهره مندی از محیط زیست سالم، در درون خد متضمن چند حق دیگر است که عبارتند از (فیروزی، ۱۳۸۹: ۶۶).

۱- حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی، از یک طرف به حق افراد در کسب اطلاعات زیست محیطی بدون هیچ محدودیتی اشاره دارد و از طرف دیگر اشاره به تکالیف دولت ها در واگذاری این اطلاعات به افراد جامعه دارد.

۲- حق دیگری که در چارچوب حق بهره مندی از محیط زیست سالم باید از آن سخن گفت، حق آموزش مسائل زیست محیطی است. این وظیفه دولت هاست که نسبت به آموزش مسائل محیط زیست به افراد جامعه اقدام کنند. این عمل می تواند از طریق مدارس، کتاب های آموزشی و رسانه های عمومی انجام پذیرد.

۳- حق دسترسی به جبران خسارت یکی دیگر از تقسیمات حق بهره مندی از محیط زیست سالم است. بر این اساس هر شهروندی باید، حق دسترسی به مراجع قضایی و جبران خسارات زیست محیطی را داشته باشد (افتخاری، ۱۳۸۲: ۵۲).

محیط زیست با مفهوم حقوق بشر پیوند عمیقی دارد. حقوق بشر مؤید نیازها و مطالبات ذاتی و فطری بشری است که به طور واحد در خدم تضمین ثبات ماهیت وجودی انسان و ارزش والای انسانی است. با تأمین یافتن قداست و مطالبات ذاتی انسان در قالب نظام حق انسان می تواند در جامعه بشری ضمن تأمین نیازهای انسانی مسیر تکامل و خود شکوفایی را طی نماید. در این راستا حق به محیط زیست سالم غیر قابل انفکاک از سایر موارد حقوق بشر می باشد. هر گونه نقض در حوزه حق به محیط زیست آثار کاملاً مستقیمی بر سایر حقوق انسان همچون حق بنیادین حیات، سلامت، درمان، بهداشت، غذا، رفاه، امنیت و... خواهد داشت. بر این اساس می بایست میان نسلهای حقوق بشر یک رابطه منطقی وابستگی متقابل را برقرار نماییم. این حقوق برای حمایت از فرد و حمایت از حق حیات در معنای وسیع خود مطرح شده و باز هم تفکیک شدنی نمی باشند. می توان گفت تمام این حقوق در یک سطح قرار دارند و هیچ حقی را بر دیگری ارجحیتی نیست (فیروزی، ۱۳۸۴: ۶۹).

حقوق محیط زیست عمدتاً در قلمروهای دیگر حقوق بشر تأثیرگذار می باشد (شلتون، ۲۰۰۲: ۴۱۲)^۱، به طوری که نقض حق به محیط زیست سالم، موجب نقض حقوق مذکور نیز می شود و در عین حال، رعایت آن ها به تحقق و استیفای کامل حق بر محیط زیست سالم منتهی می گردد، حتی در برخی موارد، گستره اعمال حقوق مذکور با مراعات حق بر محیط زیست منوط و محدود می شود. حق بر بهداشت، حق مالکیت، حق کار در محیط مناسب و بهداشت، احترام به حقوق فرهنگی اقلیت ها از جمله حقوق بشری هستند که از ابعاد زیست محیطی برخوردارند (پارسا، ۱۳۷۸: ۱۳۰).

تأثیر مؤلفه های حکومتی بر حق به محیط زیست سالم

ساماندهی مطلوب اجتماعی و تضمین حق های بشری، مستلزم زمامداری کارآمد بوده و چنین زمامداری نقش بسیار مهمی در صیانت از محیط زیست سالم و پاسداری از مواهب طبیعی و الهی ایفا می نماید. از این رو تلاش می شود به تأثیر کارآمد مؤلفه های قانونی در صیانت از حق به محیط زیست سالم مطالعه و تحلیل گردد (پارسا، ۱۳۷۸: ۱۳۰).

۱- **برابری و عدم تبعیض**: برابری ذاتی از مفهوم کرامت ذاتی استخراج می گردد. کرامت ذاتی، یعنی انسان به ماهو انسان غایت بوده و ارزشمند تلقی می گردد و لازمه صیانت از عزتمندی و شرافت انسان، تأمین و تضمین مطالبات و نیازهای انسانی است. برابری مفهومی است که حوزه های متفاوتی نظیر (برابری اخلاقی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی، جنسی و نژادی)، (نگل، ۱۹۹۶: ۲۵۸)^۲ می تواند مد نظر باشد. برابری و عدم تبعیض مؤید این امر است که تمام موجودات بشری از ارزش ذاتی برخوردار هستند و (هیچ شخصی به صورت ذاتی برتر از دیگری نیست). همچنین در اتخاذ تصمیمات جمعی باید خیر عمومی با منافع هر شخص به طور برابر مورد توجه قرار گیرد (نگل، ۱۹۹۶: ۲۷۲)، لذا نمی توان فردی را بر فرد دیگر از لحاظ ارزشی مقدم بداریم. بر این اساس، (حق هر کسی بدون تبعیض به بهره مندی از همه حقوق انسانی و آزادی های بنیادین، امروزه مورد تأکید همه اسناد و قواعد حقوق بشری شده است)، (اسمیت، ۲۰۰۵: ۹۷)^۳.

^۱ - Shelton.

^۲ - Nagel.

^۳ - Smith Rhone.

رعایت اصل برابری در بهره مندی از محیط زیست و منابع طبیعی و حمایت و صیانت از برابری فرصت و اعمال محدودیت های برابر از طرف دولت جهت بهره مندی از مواهب زیست محیطی نقش به سزایی در حفظ محیط زیست دارد (خضری، ۱۳۸۲: ۱۵).

۲- حاکمیت قانون: از جمله مؤلفه های ارزشی حاکمیت قانون است. در پرتو حاکمیت قانون است که حق ها مورد ضمانت قرار می گیرند و کلیه امور اجتماعی ساماندهی می گردد. حاکمیت قانون تعادل بخش دو نگرانی عمده است: از یک سو اختیارات اعطایی به حکومت باید به نحوی باشد که به ساختارها و مقامات حکومتی امکان دهد که کشور را اداره نمایند و از سوی دیگر، لازم است از فراگیری قدرت حکومت جلوگیری شده و از تحدید آزادی های اساسی شهروندان توسط عملکردهای اقتدارگرایانه آن جلوگیری گردد. حاکمیت قانون تعادل و توازن این دو نیاز جامعه سالم و دارای سامان را تأمین می کند. کارکردهای اصلی حاکمیت قانون، کنترل قدرت سیاسی، انتظام بخشی اداره امور عمومی، تضمین حقوق و آزادی های شهروندان می باشد (مالمیری، ۱۳۸۵: ۳۱).

جامعه در سایه قانون و الزامات بایستی و نیاید به ساماندهی و نظم اجتماعی می رسد و قانونمندی بهترین تأسیس اجتماعی جهت تثبیت و صیانت از حقوق بنیادین خواهد بود، البته رسیدن به چنین غایتی، وضع قوانین عادلانه و متناسب با نیازهای فطری و طبیعی بشر خواهد بود تا به موجب آن قوانین، همه منابع به طور برابر با رعایت استحقاق ها و شایستگی ها بین افراد توزیع گردد و در مقابل هر گونه تجاوز و تعدی به حقوق بنیادین، شیوه های پیشگیری و جبرانی تعبیه گردد. عدم رعایت الزامات قانونی، قطعاً مخاطرات زیادی نسبت به حق های بشری ایجاد خواهد کرد، لذا اگر حق ها و استحقاق ها مورد حمایت قانون قرار نگیرد یا راهکارهای جبرانی طراحی نشود، حیات بشر و موقعیت فردی و اجتماعی وی در معرض آسیب جدی قرار می گیرد. حفاظت از محیط زیست سالم نیز در گرو رعایت الزامات قانونی خواهد بود (الکلیت، ۱۹۹۷: ۳۵).

لازم به ذکر است که اجرای عادلانه قوانین، مستلزم وجود نظام قضایی مستقل و یک بازوی اجرایی (پلیس) فساد ناپذیر برای این نظام می باشد. نظام بهره برداری از منابع طبیعی، انجام تکالیف شهروندی و دولتی در حفظ محیط زیست در چارچوب قوانین و مقررات عادلانه زیست محیطی می تواند موجبات تضمین حق به محیط زیست سالم را فراهم نماید.

۳- مشارکت همگانی: مشارکت همگانی با تأکید بر حق هر فرد در تنظیم سیاست ها و اتخاذ معیارهایی برای بهبود وضعیت عمومی جامعه همراه است و لزوم اجرای آن را به دست آوردن انتظارات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی طلب می کند. حضور مردم در فرآیند قانونگذاری و مدیریت عمومی کشور و نظارت مستقیم و غیر مستقیم در اداره امور عمومی نقش به سزایی در توزیع عادلانه منابع و امکانات عمومی خواهد داشت. تصمیمات خود سرانه و یک جانبه حاکمان در توزیع حق ها، چندان اطمینان بخش نخواهد بود و بیم سوء استفاده از قدرت و بهره برداری شخصی و گروهی خواهد رفت، اما حضور مردم در فرآیند تصمیمات نظام توزیعی منابع و نظارت آگاهانه و فعالانه مردم بر شیوه توزیع مؤثرترین ساز و کار تضمین حقوق بنیادین بشری و صیانت از محیط زیست سالم خواهد بود (الکلیت، ۱۹۹۷: ۳۶).

۴- انصاف: انصاف مرتبط با مفهوم بی طرفی است، لذا (انصاف هم شامل نظم و قاعده (یعنی اجرای غیر جانبدارانه قوانین) و شامل عقلانیت، یعنی توزیع برابر منابع مربوطه میان ذی نفعان، می باشد)، (زارع، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

رفاه و رویه دولت و متصدیان خدمات عمومی ارتباط مستقیمی در رعایت حقوق بنیادین بشر دارد. چنانچه آن ها در نظام توزیع حق ها و امکانات دست به عملکرد و اقدام غیر منصفانه، جانبدارانه بزنند، منابع، امکانات، مواهب طبیعت و زیست محیطی مورد استفاده غیر منطقی افراد خاص می شود و محرومیت سایر افراد را در پی خواهد داشت.

۵- مسئولیت پذیری: مسئولیت پذیری را می توان یکی از کلیدی ترین مؤلفه های حکومت خوب به شمار آورد. در کنار مؤسسات و نهادهای حکومتی، سازمان ها خصوصی و نهادهای مدنی فعال در جامعه نیز باید در قبال سیاست ها و اقدامات خود پاسخگو باشند. باید عنوان نمود که اصول حکومت خوب به صورت زنجیره ای متصل به هم بوده و اجرایی شدن هر کدام از آن ها مستلزم اجرای سایر اصول

می باشد. برای مثال نمی توان انتظار داشت که مسئولیت پذیری و پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون جنبه اجرایی چندانی در جامعه داشته باشد (برایان، ۲۰۱۱: ۵۰).^۱

۶- پاسخگویی: پاسخگویی از جمله ملاک های اساسی سنجش مطلوبیت زمامداری محسوب می شود. به علت این که در نظام مردم سالار حق تصمیم گیری و قضاوت نهایی دراصل، در خصوص اداره امور عمومی، تشخیص مصالح و منافع عمومی به عهده مردم است که از طریق نمایندگان محقق می شود، پس این حق متعلق به مردم است که حاکمان منتخب در قبال این تکلیف، یعنی تأمین خدمات و منافع عمومی پاسخگو باشند و این امر در قبال صیانت از محیط زیست به مردم و ذی نفعان، باعث تضمین انجام وظایف دولت در قلمرو محیط زیست و جلوگیری از نابودی منابع طبیعی توسط دولت و شهروندان می گردد (جانسون، ۲۰۱۶: ۱۲۵).^۲

۷- کارآیی یا اثربخشی: کارآیی یا اثربخشی حکومت با سیاستگذاری و اجرا به وسیله دولت برای حمایت نظام بازار مورد توجه واقع شده، همچنین به توانایی دولت در قانونگذاری، دآوری دادگاه ها، تصمیم های مدیریتی درباره حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی اشاره کرد. از حکومت خوب به عنوان ابزاری برای تنظیم فعالیت نهادها در راستای استفاده آرا از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نیز یاد می شود. کارآیی و اثر بخشی با گذشت زمان اهمیت بیشتری پیدا نموده است و مفهوم کارآیی در زمینه حکومت خوب در برگرنده استفاده صحیح از منابع طبیعی در جهت توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست نیز هست و فقط به معنای فنی، کارآیی نیست (لانگ میشل، ۲۰۱۵: ۵۵).^۳

۸- دسترسی به اطلاعات: دسترسی به اطلاعات و حق انتقال آن به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر به رسمیت شناخته شده است. در این راستا فراهم کردن زمینه مناسب برای مردم جهت دسترسی به اطلاعات از جمله تکالیف عمده حکومت به شمار می رود. آنچه در خصوص جایگاه دسترسی به اطلاعات در حکومت خوب مد نظر قرار می گیرد، عملکرد دولت در خصوص ارائه اطلاعات لازم به مردم در خصوص حقوق بنیادین بشر و در این راستا باید در مقابل مردم پاسخگو باشد (لانگ میشل، ۲۰۱۵: ۵۶).
عدم اطلاع رسانی و آموزش صحیح مردم در شناخت از حقوق بنیادین خود و صیانت از محیط زیست سالم و عدم شفاف سازی کلیه تصمیمات نظام توزیع درآمد، ثروت و حق ها، زمینه مساعدی جهت تضییع حقوق افراد و تخریب محیط زیست فراهم می نماید، چون در عمل اقدامات خودسرانه حاکمان و افراد سودجو در بهره مندی از مواهب طبیعی و حقوق فطری به گونه نابرابر و تبعیض آمیز، زمینه را برای برقراری بی عدالتی و تضییع حقوق افراد را فراهم می نماید (عباسی، ۱۳۸۳: ۸۶).

۹- نهادهای مدنی: وجود نهادهای مردم نقش بارزی در تحکیم حکومت و حق ها خواهد داشت. از آنجایی که همواره دولت قوی تر از مردم به نظر می رسد و احتمال استبداد و خود رأیی وجود دارد، وجود هیأت های واسطه ایی برای مقاوم نمودن مردم در برابر دولت و بیان اراده خود لازم و ضروریست. بر این اساس، حضور هیأت های حائل بین توده های بی نام از شهروندان اجتناب ناپذیر خواهد بود تا بدین وسیله زمینه مشارکت مؤثر شهروندان در امور اجتماعی و سیاسی فراهم شود. در این ارتباط ضمن آگاه نمودن مردم از حقوق بنیادین خود مخاطرات پیش رو و با اعمال فشار سازماندهی شده به مجموعه حاکمیت می توانند زمامداران را در صیانت از محیط زیست و رعایت الزامات قانونی وادار به تبعیت نمایند (کرسل لارس، ۲۰۱۴).^۴

بسیاری از تضییع حق ها به ویژه مخاطرات زیست محیطی در نتیجه نهادهای نظارتی یا قصور در شیوه های درست نظارت، عدم فعالیت نهادهای مردم نهاد در کنترل اقدامات نهادهای دولتی رخ می دهد، بنابراین برای پیشگیری و سرکوب جرایم به خصوص جرایم زیست محیطی

^۱- Brian .

^۲- Johnson.

^۳- Long Micheal.

^۴- Korsell Lars.

از تمامی ظرفیت های اجتماعی باید استفاده شود و در این بین سازمان های غیر دولتی نقش بسیار مثبتی ایفا می کنند و در ارتباط با جرایم سبز می توانند با حساس سازی افکار عمومی و اطلاع رسانی نقش مهمی در حمایت از محیط زیست و جلوگیری از جرایم سبز داشته باشند.

نتیجه گیری

محیط زیست سرمایه مشترک بشر برای نسل حاضر و نسل های آینده است به همین دلیل تمامی تلاش هایی که برای حفاظت از آن انجام می شود در حقیقت گام برداشتن در مسیر حفظ نسل بشری است با عنایت به اینکه میراث گران بهایی است که از گذشتگان به ارث رسیده است. به همین دلیل قانونگذار قوانینی را برای حمایت و حفاظت از محیط زیست به تصویب رسانده و مجازات هایی را برای کسانی که این میراث خدادادی و اجدادی را نادیده می گیرند در نظر گرفته است، با این تصور که برخورد سریع و قاطع با جرایم زیست محیطی می تواند اثرات بازدارنده ای در کاهش تخلفات علیه محیط زیست داشته باشد. جرائم زیست محیطی تا زمانی که سودهای بالا و ریسک های پایین به چالش کشیده نشود، به رشد خود ادامه خواهند کرد. به طور کلی یک برنامه زیست محیطی تخمین می زند برداشت های بی رویه از منابع طبیعی و جنگل ها نه تنها جیب متخلفان را پر می کند، بلکه همچنین خشونت، علیه محیط زیست را ترویج می دهد. این جرائم اقتصادی های محلی و ملی را تضعیف می کنند، به محیط زیست آسیب می رسانند و سلامت و رفاه عموم را مخدوش می کنند.

عمده آسیب های وارده به حقوق بشر و محیط زیست و خسارات زیست محیطی در نتیجه عدم توجه به مؤلفه های زمامداری مطلوب و ناکارامدی دولت در انجام تکالیفش در صیانت از محیط زیست رخ داده است، لذا با اعمال شاخصه های به زمامداری می توان تضمینات عملی در صیانت از حقوق شهروندی و تدبیری پیشگیرانه در کاهش مخاطرات نسبت به حق های بشری و راهبردی مطلوب در صیانت از حق به محیط زیست سالم در جامعه را نهادینه نمود. با مطالعه اکثر موارد نقض حقوق و آسیب های زیست محیطی این نتیجه حاصل می گردد که رویه و رفتار غیر عادلانه نهادهای مسئول در حفظ محیط زیست، عدم رویه منصفانه نظام توزیع منابع و حق ها و عدم برخورد مناسب با افراد سودجو و مخرب محیط زیست بوده است و با نادیده گرفتن اصول زمامداری مطلوب به ویژه حذف نقش مشارکت و نظارت فعال مردم در مدیریت امور عمومی، نقض قوانین، عدم وجود مدیریت تخصصی، عدم رفتار مسئولانه و شفاف زمامداران و بی توجهی به اصول دادرسی منصفانه قضایی و..... زمینه ایجاد مخاطرات نسبت به حق های بنیادین بشر را افزایش داده است.

منابع و مأخذ

- افتخاری، جمشید، (۱۳۸۲)، حق بر محیط زیست، حق بر دسترسی به محیط زیست سالم، ص ۵۲.
- پارسا، علیرضا، (۱۳۷۸)، حقوق بشر و محیط زیست، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ص ۱۳۶.
- حیدرزاده، الهام، مظفری زاده، سجاد، (۱۳۹۲). محیط زیست، پیشگیری، جرم، منابع آبی، فصلنامه اخلاق زیستی، سال سوم، شماره هفتم، بهار، ص ۱۹۲-۱۶۳.
- خضری، محمود، (۱۳۸۲)، برابری از موقعیت زیست محیطی، مطالعه استراتژیک و حقوق اساسی، ص ۱۵.
- رحمت الهی، حمید، (۱۳۹۳)، حق بر سلامت در قانون اسلامی، مجله مطالعه حقوق اسلامی، ص ۱۰۳.
- عباسی، بهرام، (۱۳۸۳)، حقوق بشر و بنیادهای آزادی، داگستر، ص ۸۶.
- فیروزی، محمد، (۱۳۹۰)، اساس حقوق بشر و محیط زیست، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ص ۴۲.
- کارگر، حمید رضا (۱۳۹۳)، جرایم علیه محیط زیست، جرایم علیه میراث بشریت، مجموعه مقالات دومین همایش ملی و تخصصی پژوهشهای محیط زیست ایران، ص ۸۲.
- مالمیری، مصطفی، (۱۳۸۵)، نقش قانون، مفهوم محیط زیست، مطالعات مجلس مرکز، ص ۳۱.
- محمدی، عبدالرضا، (۱۳۹۱)، حقوق دموکراسی و حقوق بشر، حقوق محیط زیست، داگستر، ص ۲۵۹.
- یوسفی کهریزه، طاهر و صادقی، سمیرا (۱۳۹۴)، بررسی جرایم علیه محیط زیست در پرتو حقوق کیفری ایران، اولین همایش حفاظت و احیای تالاب ها و دریاچه ها با تأکید بر دریاچه زریوار مریوان.

- Baker, Raymond, Transnational Crime and the Developing World(2017),Global Financial Integrity,p62.
- Boyle A. Human Rights and International Environmental law: Some Current Problems , 2015,Available at : <http://www.eui.eu....pdf>.
- Brian , Wolf , (Green – Gollar Grim): Environment Crime and Justice in the Sociological Prespective (2011)Sociology compass.
- Daniel A. Human Rights and Democracy in East Asia , Princeton: Universty Press;2010.p.15-34.
- Elklit , J, Svehsso P. What Makes Election Free and Fair ? Journal of Democracy1997;8(3):35.
- Fesharaki H. On the Democracy . Dal, Robert(Author). Tehran : Shiraz Publication;1387.p.87.
- Institute for Democracy and Human Rights, Human Environment law.2nd ed..Tehran : Dadgostar Publication; 1391.p.259.
- Johnson , Hope, South, Nigel, Walters,Reece, The Commodification and Exploitation of Fresh Water : Property, Human Rights and Green Criminology (2016)International Journla of law , Crime and Justice.
- Long Micheal A. , Stretesky Paul B, Michael J. Lynch,The Treadmill of production, Planetary Boundaries and Green Criminology (2015)Environmental Crime and its Victims: Perspectives within Green Criminology .
- Nagel T. Equality; Readings in Social and Political Philosophy.Edited by Robert M. Stewart.Oxford University Press; 1996.p.272.
- Pathak P.Human Rights Approach to Environment Protection , OIDA International Journal of Sustainable Development 2014;7(1): 17-24.
- Rahmatolahi H , Shirzad O. Right to Healthy Environment in Judicial Proceeding of Administrative Court of Justice. Journal of Islamic Human Rights Studies 1393;6(3) : 103.
- Rosenbounm AS. The Philosophy of Human Rights, USA: Greenwood Press;1980.p.76.
- Sahramaki Lina, Korsell Lars, Kankaanranta Terhi, Prevention of environ- mental crime through enforcement- Finland and Sweden compared (2014)Journal of Scandinavian Studies in Criminology and Crime Prevention.
- Shelton D, Human Rights . Health & Environment Protection: Linkages in Law & Practice; 2002. Available at: http://www.who.int/hhr/Series_1%20%20Sheltonpaper_rev1.pdf.
- Smith Rhone KM.Human Rights . Oxford : Oxford university Press; 2005.p97.
- Thunstrom Linda, Klass Van , Jason F, Shogren , Jonas Nordstrom, On Straegic ignorance of environmental harm and Social norms (2014) Revue economie politique,p56.
- White Rob(2011)Transnational Environmental Crime Toward and Eco-glob-al Criminology ,Routledge.
- Zaree MH. The Process of Democratization, Accountability and Governmental Management .Journal of Mifid Letter (۲۰۱۰);9(3):122.